

# سرداب مقدس سامراء و آداب زیارت آن

جواد جعفری<sup>۱</sup>

## چکیده

شیعیان دوازده امامی، حضرت حجت بن الحسن (عج) را پیشوای دوازدهم خود می‌دانند که از نظرها پنهان است و آنان به برقراری ارتباط روحی و عاطفی با آن حضرت موظف‌اند. یکی از راه‌های ارتباط روحی با امام زمان (عج)، حضور در مکان‌های منسوب به ایشان است که بسیاری از این مکان‌های منسوب به حضرت، در سرزمین عراق قرار دارد. برخی از این مکان‌ها نیز زیارتگاه‌هایی مستقل و دارای ساختمان مخصوص هستند و حضور در آنها موجب پیوند بیشتر و عمیق‌تر با حضرت صاحب‌الزمان (عج) است. سرداب سامراء که به آن سرداب غیبت نیز می‌گویند، یکی این مکان‌هاست که شیعیان معتقدند غیبت کبری امام زمان (عج) از این مکان آغاز شده است. این سرداب که اکنون در نزدیکی بارگاه امامین عسکریین علیهما السلام واقع شده، در اصل، منزل امام هادی علیه السلام بوده که از سه بخش تشکیل شده و در گوشه‌ای از آن چاه واقع شده بود.

در کتاب‌های دعا برای این سرداب مقدس، اعمال و دعا‌های خاصی همچون اذن دخول، نماز زیارت و وداع ذکر شده که شیعیان با انجام این اعمال، برای سلامتی و ظهور امام زمان (عج) دعا می‌کنند.

این مقاله دربردارنده تاریخچه، دلیل نام‌گذاری و آداب و اعمال مخصوص سرداب مقدس سامراء است.

**واژگان کلیدی:** سامراء، سرداب غیبت، امام زمان (عج)، امامین عسکریین علیهما السلام.

## مقدمه

دوران غیبت امام عصر (عج) که شیعیان از حضور ظاهری ایشان محرومند، دوران ارتباط روحی و عاطفی با امام است. راه کارهای مختلفی برای این ارتباط وجود دارد. یکی از این راه‌ها حضور در اماکن منسوب به ایشان است. سرداب مقدس سامراء که منزل سه امام شیعیان بوده است، یکی از این اماکن است.

شیعیان دوازده امامی، به پیروی از مذهب اهل بیت علیهم‌السلام معتقدند که فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام یعنی حضرت حجت بن الحسن (عج) اینک امام زمان مردم است و به صورت ناشناس در میان آنان زندگی می‌کند، تا زمانی که خداوند اجازه ظهور او را بدهد.<sup>۲</sup> شیعیان در دوران غیبت امام، از محضر ایشان محرومند و حضور ظاهری ایشان را درک نمی‌کنند و اجازه ندارند به دنبال یافتن مکان امام باشند؛<sup>۳</sup> اما مکلف به ارتباط با امام خویش هستند. ندیدن امام نباید باعث قطع رابطه و فراموشی یاد امام شود؛ زیرا امام در این دوران هیچ‌گاه از حال شیعیان غافل نیست.<sup>۴</sup> حال که ارتباط حضوری و دیدار در ایام غیبت ممکن نیست، باید رابطه روحی و عاطفی با امام حفظ شود. راه کارهای گوناگونی برای حفظ این ارتباط روحی وجود دارد؛ مانند زیارت‌نامه خواندن،<sup>۵</sup> دعا برای سلامتی<sup>۶</sup> و تعجیل در ظهور ایشان.<sup>۷</sup> یکی از راه‌های ارتباط روحی با امام زمان (عج) نیز حضور در مکان‌های منسوب به ایشان است.

در کشور عراق چندین مکان منسوب به حضرت ولی عصر (عج) وجود دارد<sup>۸</sup> که بسیاری از آنها زیارتگاه‌های مستقل و دارای بنای مخصوص هستند؛ اما برخی از این مقام‌ها داخل

مکان‌های مقدس دیگر قرار دارند. یکی از مشهورترین مکان‌های منسوب به امام مهدی (عج) در عراق، سرداب مقدس شهر سامراء است. در این نوشته برآنیم تا ضمن معرفی سرداب مقدس سامراء آداب حضور در این مکان مقدس از منابع دست‌اول شیعه بیان شود. امید است شناخت این مکان مقدس و حضور در آن و عمل به آداب زیارت آن، موجب پیوند بیشتر و عمیق‌تر با مولای غایبان حضرت صاحب‌الامر (عج) گردد، ان‌شاءالله.

### سامراء

سامراء دومین شهر در دوره خلفای عباسی بود و هشت تن از آنان در این شهر خلافت کردند. اما از زمان مستعین (۲۴۸هـ) سیزدهمین خلیفه عباسی، با تسلط ترکان بر دولت عباسی، سامراء به تدریج کم‌فروغ شد تا این که معتضد در اول خلافت خود (۲۷۹هـ) سامراء را به قصد بغداد ترک کرد.<sup>۹</sup> پس از آن، شهر ویران شد و تنها محله عسکر که مزار مطهر دو امام بزرگوار شیعه، امام دهم، امام علی بن محمد النقی الهادی و امام یازدهم فرزند بزرگوار ایشان امام حسن بن علی العسکری علیه السلام آباد ماند. به همین دلیل به این دو امام بزرگوار «عسکرین» می‌گویند.<sup>۱۰</sup> سرداب مقدس سامراء که به آن «سرداب غیبت» نیز گفته می‌شود، در مجاورت آستان مقدس این دو امام همام و در ضلع غربی صحن مطهر واقع است.

### سرداب

واژه «سرداب» به کسره سین<sup>۱۱</sup> معرّب است. اصل آن فارسی و از ترکیب دو واژه «سرد» و «آب» ساخته شده است؛<sup>۱۲</sup> یعنی جایی که آب در آن خنک می‌شود.<sup>۱۳</sup> منظور از سرداب، مکانی است که در زیر زمین ساخته می‌شود تا در تابستان محل سکونت قرار گیرد.<sup>۱۴</sup> در مناطق گرمسیر به دلیل نبود وسایل خنک‌کننده، معمولاً در منازل، زیرزمینی ساخته می‌شد که دمای آن نسبت به اتاق‌های خانه خنک‌تر بود و در تابستان، به‌خصوص در ساعات گرم روز اهل خانه در آن جای می‌گرفتند. در شهر سامراء نیز ساخت سرداب مرسوم بوده است.

کرانه چپ رود دجله - که در امتداد سامراء قرار دارد - از کرانه راست آن چند متر بالاتر است. در زیر لایه خاکی این زمین مرتفع، یک لایه سنگی وجود دارد که در میان دانشمندان زمین‌شناس به نام شفته طبیعی (conglomerate)

معروف است. این لایه سنگی، از ریگ‌هایی در اندازه‌های متفاوت شکل گرفته که یک ماده چسبنده آنها را به یکدیگر چسبانده است. ارتفاع زمین از سطح آب به صورتی که گفته شد، از یک سو و وجود لایه سنگی در عمق نسبتاً اندک از جانب دیگر، کندن سرداب‌های گود و عمیق را در زیر ساختمان‌ها آسان می‌کند. به همین جهت سرداب‌های فراوانی، چه در زیر بقایای کاخ‌ها و خانه‌های باستانی و چه در زیر طبقات بناهای کنونی سامراء به چشم می‌خورد.<sup>۱۵</sup>

### سرداب منزل امام هادی علیه السلام

در منزل امام هادی علیه السلام نیز به رسم دیگر منازل، سردابی برای در امان ماندن از گرمای شدید وجود داشت. وقتی امام هادی علیه السلام به شهادت رسید، پیکر مطهر ایشان در منزل خودشان دفن شد و امام حسن عسکری علیه السلام که فرزند و وارث ایشان بود، در منزل پدر سکنا گزید. پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام ایشان را نیز در کنار پدر دفن کردند و منزل به تنها وارث و فرزند ایشان یعنی امام مهدی (عج) به ارث رسید. نرجس خاتون مادر ایشان و حکیمه خاتون عمه پدر ایشان نیز در آنجا دفن گردیدند و به این صورت، منزل دو امام به مزار و حرم ایشان تبدیل شد و سرداب نیز در آن منزل به حال خود باقی بود.<sup>۱۶</sup> البته علامه سید مرتضی عسکری در مورد سرداب منزل امام هادی علیه السلام نظر دیگری دارند و می‌نویسند:

حضرت امام علی النقی و امام حسن عسکری علیه السلام مکانی را برای عبادت خویش قرار داده بودند؛ همین جایی که الآن به آن سرداب می‌گویند. آن وقت سرداب نبود؛ حجره‌ای بود که این دو بزرگوار آنجا عبادت می‌کردند. وقتی متوکل مأموران را شبانه به منزل امام علی النقی علیه السلام فرستاد، مأموران ایشان را از همین جا بردند؛ از جای عبادتشان. این جا راهی داشته از محل زندگی حضرت که الآن جای قبر آن حضرت است. الآن اطراف آن بالا آمده و آنجا مانند سرداب شده است.<sup>۱۷</sup>

این سخن علامه، ادعایی عجیب است که مدرکی نیز برای آن ارائه نکرده‌اند تا قابل پی‌گیری باشد؛ اما در گزارشی که قدمتی هشتادساله دارد، در مورد سرداب چنین آمده است:

این سرداب از سه قسمت عمده تشکیل شده که عبارت است از یک غرفه

شش ضلعی، یک غرفه مستطیل کوچک و یک غرفه مستطیل بزرگ. غرفه مستطیل شکل بزرگ در میان مردم به «مصلاهی مردان» و غرفه مستطیل شکل کوچک به «مصلاهی زنان» معروف است. این بخش‌ها با دو راهرو بلند و طولانی به یکدیگر مربوط می‌شوند؛ یعنی یک راهرو طولانی، مصلاهی مردان و مصلاهی زنان را به هم وصل می‌کند و یک راهرو طولانی دیگر بین مصلاهی مردان و غرفه شش ضلعی وجود دارد... پلکانی که راه ورود و خروج سرداب است، به غرفه شش ضلعی منتهی می‌شود و دارای بیست پله است. ورودی این پلکان و سرداب در داخل ساختمان مسجد و بر دیواری قرار گرفته که ورودی نمازخانه نیز در آن واقع است.<sup>۱۸</sup>

بر روی سرداب غیبت مسجدی وجود دارد که به «مسجد صاحب (عج)» مشهور است. بر فراز آن نیز گنبد مرتفعی با کاشی‌های هفت‌رنگ وجود دارد. در گذشته (تا حدود ۱۲۰۲ قمری) راه رسیدن به سرداب از طریق راهروی طولانی و تاریکی بود که ورودی آن در پشت سر قبر نرجس خاتون در داخل حرم مطهر قرار داشت؛ اما اینک صحنی مستقل و دهلیز و راه‌پله‌ای جداگانه دارد و راه‌پله و دالان قبلی مسدود گشته است.<sup>۱۹</sup> بنابراین حالت اصلی سرداب تنها همان قسمت بزرگ (نمازخانه مردانه) بوده که با دالانی طولانی به روضه فعلی متصل می‌شده و دو بخش بعدی یعنی غرفه یا دهلیز شش ضلعی و نمازخانه زنانه حدود دویست سال است که احداث شده است.<sup>۲۰</sup> پس از سقوط رژیم بعثی، فضای مجاور سرداب غیبت در زیرزمین را گسترش داده‌اند و شبستان وسیعی در مجاورت آن ساخته‌اند که نمازهای جماعت در آن برگزار می‌شود.

### محل غیبت

چنان‌که بیان شد، سرداب مقدس منزل امام هادی علیه السلام سه بخش دارد که یکی از آنها بزرگ‌تر است. قسمت انتهایی این بخش بزرگ با دری جدا شده و اتاقک کوچکی را تشکیل داده است و درواقع بخش مکمل غرفه مستطیل شکل بزرگ است. به این قسمت کوچک، محل غیبت امام عصر (عج) گفته می‌شود.

در انتهای غرفه مستطیل شکل بزرگ، یعنی در انتهای مصلاهی مردان، در

چوبی (باب غیبت) واقع شده است. در پشت این در، اتاق کوچکی قرار دارد که طول آن یک متر و هشتاد سانتیمتر و عرض آن یک متر و پنجاه سانتیمتر است. این اتاق به نام «محل غیبت» شهرت دارد ... دیوارهای محل غیبت با کاشی‌های رنگی و مزین به گلبوته آراسته شده است. در میان این کاشی‌ها، یک نوار چوبین در طول دیوارهای سه‌گانه این محل امتداد یافته است. در این نوار چوبی با خط کوفی نام پیامبر ﷺ و دوازده امام علیهم‌السلام نوشته شده است.<sup>۲۱</sup>

### باب غیبت

در مشبکی که محل غیبت را از بخش بزرگ سرداب مقدس جدا می‌کند «باب غیبت» خوانده می‌شود که در سال ۶۰۶ هجری قمری ساخته شده است. (تصویر ضمیمه شماره یک)

قسمت‌های مختلف این در، که سمت پیشین اتاق غیبت قرار دارد، مشبک است؛ ولی بخش‌هایی که دیوار نمازخانه را پوشش داده، غیر مشبک هستند. قسمت‌های مشبک در از پیوستن قطعه‌های چوبی با اشکال هندسی به یکدیگر ساخته شده که در چشم بیننده به سه گونه جلوه می‌کند: الف) دو قسمت مشبک که به عنوان دو لنگه در محسوب می‌گردد؛ ب) دو قسمت مشبک که در دو طرف در واقع شده است؛ ج) یک قسمت مشبک که کتیبه تزئین شده سردر را تشکیل می‌هد. فراهم آمدن این قسمت‌های سه‌گانه مشبک هندسی و زیبا، جلوه هندسی دلپذیری به این در بخشیده است. روی قطعه‌های چوبی هم که چهارچوب‌های این شبکه‌ها را شکل داده، نقش و نگارهای واقعاً ظریف و دقیقی کنده کاری شده است.<sup>۲۲</sup>

متأسفانه این اثر تاریخی نفیس و ارزشمند، در جریان یکی از انفجارهای تروریستی در آستان مقدس سامراء، آسیب جدی دید و بخش اصلی آن از بین رفت و امروزه تنها حاشیه آن باقی مانده است. (تصویر ضمیمه شماره دو) اکنون به جای آن در چوبی، حفاظ مشبک فلزی قرار دارد. (تصویر ضمیمه شماره سه)

## چاه غیبت

در گزارشی که قدمتی نزدیک به هشتاد سال دارد، آمده است که در گوشه محل غیبت، چاهی به نام «چاه غیبت» وجود دارد: «چاه معروف به چاه غیبت هم در گوشه همین اتاق قرار دارد.»<sup>۳۳</sup> این چاه اکنون موجود نیست؛ اما مرحوم محدث قمی که معاصر این گزارش بوده، در این باره می‌نویسد:

آنچه از مشایخ دست‌به‌دست رسیده، این است که این صَفَه محلّ حوضی بود به جهت وضو گرفتن آن بزرگواران در آن سرداب. پس از آن بزرگواران، شیعیان عرایض و رِقاع حاجات که به حضرت صاحب الامر - صلوات الله علیه - می‌نوشتند به آن جا می‌گذاشته‌اند ... و آن محل در میان همه آن سرداب امتیازی پیدا کرد در تبرک و شرافت و احترام و بوسیدن و استشفاء به تربت آن، تا آن که صحن و راه سرداب مقدّس از آن صحن مطهّر جدا شد و از غیر جنس برای آن خدمه ظاهر شد و دیدند حرص و رغبت شیعه را به آن محلّ شریف و غلبه و استیلائی خود را بر آن غربا و زائران بی‌معین. لهذا آن را برای کسب غیر طیب خود سرمایه کردند و برای جلب منافع از ایشان، آن را شبکه قرار داده‌اند و به اقسام حیل از آنها فایده بردند و کم‌کم به دادن ریگ و خاک آن جا را به آن بیچارگان و گرفتن چیزی، مقداری از آن جا گود شد. تا زمانی که عالم جلیل شیخ العراقین مرحوم شیخ عبدالحسین طهرانی - طاب ثراه - به جهت تذهیب گنبد مطهّر و اصلاح صحن منور به آنجا مشرف شد. پس از مشاهده آن خرابی و زیاد شدن آن در هر روز و خوف صدمه رسیدن به اساس عمارت، مقرر فرمودند آن جا را پر کردند تا مقدار دو پله به بالا مانده و آن را به آجر و گچ محکم نمودند. پس از وفات آن مرحوم چون در سرمایه آن جماعت به جهت بنائی خللی پیدا شد، دوباره آن بنا را خراب کردند و به دادن ریگ و سنگ آن جا به جهال زوّار و بردن عوام را در آن جا به اسم تبرک، بازار کسب خود را رونقی دادند و کم‌کم به منزله چاهی شد و اسم آن را چاه صاحب‌الزمان (عج) گذاشته‌اند، و جزو مناسک زوّار شد که چون به آن جا روند، از چاه صاحب‌الزمان (عج) سؤال کنند و به انواع بی‌ادبی و جسارت، خود را در میان چاه افکنند و مقداری ریگ بردارند. تمام این حرکات بی‌اصل و بی‌پا و خلاف ادب و احترام بلکه در بعضی از مواضع شبهه حرمت دارد؛ ولیکن درد مزمن جهل را دوایی جز پرسش از عالم یا تنبیه و نهی عالم نیست و هر دو از میان رفته.<sup>۳۴</sup>

از بیان مرحوم شیخ عباس قمی به روشنی دانسته می‌شود که چاهی در سرداب سامراء وجود نداشته، بلکه عده‌ای سودجو چنین محلی را ساخته‌اند و شایع کرده‌اند تا زائران بی‌خبر را چپاول کنند.

## سرداب غیبت

### ۱. دلیل نام‌گذاری

دلیل نامیدن سرداب سامراء به «سرداب غیبت» چیست؟ چنان که محدث قمی نیز نوشته، دلیل روشنی برای نام‌گذاری این مکان به سرداب غیبت یافت نشده،<sup>۲۵</sup> اما دو احتمال را می‌توان بیان کرد.

**الف) گزارش دشمنان از دی‌دن امام مهدی (عج) در سرداب:** یکی از احتمال‌هایی که برای نامیدن سرداب سامراء به «سرداب غیبت» می‌توان بیان کرد، رویدادهای پس از نماز امام مهدی (عج) بر جنازه مطهر پدر بزرگوارشان است. مرحوم شیخ صدوق نقل می‌کند: هنگامی که مردم برای خواندن نماز بر پیکر مطهر امام حسن عسکری علیه السلام گرد آمده بودند، جعفر کذاب، برادر امام حسن عسکری علیه السلام، جلو ایستاد و خواست نماز را بخواند که کودک‌کی عباى او را کشید و فرمود: «عقب بایست که من شایسته‌تر به نماز گزاردن بر پدرم هستم.» جعفر نتوانست مقاومت کند و بسیار عصبانی شد. پس از دفن امام علیه السلام نزد معتمد خلیفه عباسی رفت و خبر این واقعه را داد. این گزارش موجب شد تا خلیفه بارها افرادی را مأمور کند تا به منزل امام علیه السلام یورش برند. یکی از این یورش‌ها را خود شیخ صدوق در ادامه همین جریان نقل می‌کند و این که چگونه بانویی مأموران خلیفه را فریب داد.<sup>۲۶</sup>

پس از ناامیدی از حمله آشکار، تصمیم به حمله مخفیانه به منزل امام علیه السلام گرفتند. مرحوم شیخ طوسی یکی از این حمله‌های مخفیانه شبانه را که به دستور معتمد<sup>۲۷</sup> (معمد) انجام گرفت، چنین گزارش می‌کند: پس از تفتیش منزل امام مهدی (عج) او را در درون خانه‌ای که با پرده‌ای به صورت زیر کانه پوشانده شده بود، می‌یابند که مشغول نماز و عبادت است.<sup>۲۸</sup> بنا بر این سخن شیخ طوسی که در قرن پنجم نوشته شده، نامی از سرداب نیست؛ بلکه واژه‌های «دار» و «بیت» به کار رفته است. اما همین گزارش را قطب‌الدین راوندی در



قرن ششم در دو جای کتاب خود با واژه «سرداب» نقل کرده است.<sup>۲۹</sup> راوندی غیر از این جریان، دو جریان دیگر را نیز نقل کرده است که در هر دو به سرداب اشاره شده است.<sup>۳۰</sup> علامه مرحوم سید محسن امین در قصیده‌ای می‌گوید:

و قد كان في السرداب اعظم آية  
من الحجة المهدى حار بها الفكر  
أرادوا به سوءاً فخب سعيهم  
و عاقبة البغي الندامة و الثبر<sup>۳۱</sup>

نقل گزارش‌هایی از این دست، این تصور را در افراد ایجاد می‌کند که امام در سرداب غایب (پنهان) شده است؛ زیرا معنای لغوی غیبت به معنای مخفی و پنهان شدن است.<sup>۳۲</sup>

ب) گزارش شیعیان از ملاقات با امام مهدی (عج) در سرداب: احتمال دیگر برای نام «سرداب غیبت» جریان‌هایی است که در ارتباط شیعیان با امام عصر (عج) در این مکان مقدس نقل شده است. ذبیح‌الله محلاتی می‌نویسد:

شهرت یافتن این سرداب به سرداب غیبت، به خاطر آن نیست که حضرت حجّت (عج) در آن غایب شده است، چنان‌که ناآشنایان به تاریخ پنداشته‌اند؛ بلکه به این دلیل است که برخی از اولیا در این مکان به ملاقات ایشان مشرف شده‌اند.<sup>۳۳</sup>

البته در منابع مکتوب، ارتباط صریح دیدار با امام زمان (عج) در سرداب ثبت نشده است. یکی از بزرگان شیعه که نام ایشان در این موضوع بسیار تکرار می‌شود، مرحوم سید بن طاووس (متوفای ۶۶۴ ق) است. آنچه ایشان در کتاب خود نوشته است، اشاره‌ای به سرداب ندارد. وی در کتاب «مهج الدعوات» می‌آورد:

در شب چهارشنبه ۱۳ ذی‌القعدة ۶۳۸ من در شهر سامراء بودم. پس سحرگاه دعایش (عج) را شنیدم و از دعا این مقدار در خاطرمان ماند که برای کسی از زندگان و مردگان که یاد کرد، فرمود: باقی بدارشان یا فرمود زنده بدارشان در عزت ما، ملک ما و قدرت ما و دولت ما.<sup>۳۴</sup>

بنابراین ایشان نامی از سرداب نمی‌برد. مرحوم محدث نوری در داستان پنجاه و پنجم «جنة الماوی» می‌نویسد:

من در ملحقات کتاب دعای «انیس العابدین» دیدم که نوشته بود: از ابن طاووس نقل شده که سحرگاه در سرداب از صاحب الامر (عج) شنیده است که می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنَّ شَيْعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا...» در دیگر نوشته‌های معاصر ما یا معاصر این حکایت، عبارت دعای امام (عج) مختلف نقل شده است... و من تاکنون هیچ کس را نیافته‌ام که حکایت را مستند به کسی کرده باشد که از سید نقل نماید...<sup>۳۵</sup>

بنابراین در آنچه خود ایشان بیان فرموده، واژه «سرداب» وجود ندارد و در آنچه از ایشان نقل کرده‌اند، واژه «سرداب» وجود دارد، اما سند متصلی به سید بن طاووس ندارد. مرحوم سید بحر العلوم (متوفی ۱۲۱۲ ق) نیز از جمله بزرگانی است که محدث نوری جریان ایشان را نقل می‌کند، اما در این جریان نیز راوی جریان سرداب به این نتیجه رسیده که سید با امام عصر (عج) سخن می‌گفته؛ و گرنه تصریحی به این مطلب وجود ندارد.<sup>۳۶</sup>

مرحوم محدث نوری در داستان‌های بیست و هفتم<sup>۳۷</sup> و سی و دوم<sup>۳۸</sup> و سی و سوم کتاب «جنة الماوی» نیز جریان‌هایی از سرداب مقدس سامراء نقل می‌کند، اما در هیچ کدام ملاقاتی گزارش نکرده است. یکی از نویسندگان معاصر نیز از فردی به نام «شیخ حسین سامرائی» نقل می‌کند که کلام امام عصر (عج) را در سرداب سامراء شنیده است، اما سخنی از دیدن وجود مبارک امام (عج) نیست.<sup>۳۹</sup> ایشان جریان آیت‌الله مرعشی نجفی را نیز در کتاب خود آورده است<sup>۴۰</sup> که امام خود را آشکارا معرفی نکرده است.

در مجموع، دیدار قابل اثباتی در سرداب مقدس سامراء گزارش نشده است؛ بنابراین بعید به نظر می‌رسد این موضوع موجب نامیدن سرداب مقدس سامراء به «سرداب غیبت» شده باشد؛ به‌ویژه که جریان‌های نقل شده، اکثراً مربوط به دوران متأخر است.

## ۲. اعمال سرداب مقدس

کتاب‌های دعا برای سرداب مقدس سامراء، اعمال و ادعیه خاصی را بیان کرده‌اند. قدیمی‌ترین کتابی که به اعمال سرداب مقدس پرداخته، کتاب «المزار الکبیر» مرحوم

ابن مشهدی (متوفای ۶۱۰ق) است. در کتاب‌های پیش از ایشان به زیارت و اعمال سرداب مقدس اشاره‌ای نشده است. مرحوم ابن مشهدی عنوان باب نهم از قسمت پنجم کتابش را «زیارة مولانا الخلف الصالح صاحب الزمان علیه و علی آباءه السلام» نهاده و اعمال سرداب مقدس را بیان کرده است. همچنین در باب دوم، قسمت هشتم، پس از بیان زیارت امامین عسکریین علیهما السلام به اعمال سرداب پرداخته است.

پس از ابن مشهدی، سید بن طاووس در کتاب «مصباح الزائر» عنوان فصل هفدهم کتابش را «فی زیارة مولانا صاحب الأمر صلوات الله علیه و ما یلحق بذلک» قرار داده و اعمال سرداب مقدس را آورده است. پس از سید بن طاووس، شهید اول (متوفای ۷۸۶ق) در تمه کتاب «المزار» خود، در ذیل «تتمة فی زیارة سیّدنا و مولانا حجة الله الخلف الصالح أبی القاسم محمد المهدی صاحب الزمان صلوات الله علیه و علی آباءه بسرّمن رأی» به اعمال سرداب مقدس پرداخته است. پس از شهید اول، مرحوم کفعمی (متوفای ۹۰۵ق) در کتاب «البلد الأمين و الدرع الحصین» در اعمال ماه شعبان به اعمال سراب مقدس پرداخته است و در کتاب دیگر خود با عنوان «المصباح» که نام دیگر آن «جنة الأمان الواقية» است، فصل چهل و یکم را به زیارات اختصاص داده و در «زیارة المهدی» اعمال سرداب را آورده است. اما در هیچ یک سندی ارائه نمی‌کند و معلوم نیست این آداب و زیارت‌نامه‌ها از انشائات خود ایشان است یا از نویسندگان دیگری نقل شده است. کتاب‌های بعدی مانند «بحار الانوار» از کتاب‌های پیشین نقل می‌کنند و کتاب دست‌اول شمرده نمی‌شوند. اینک در سه بخش، آنچه آورده‌اند، بیان می‌شود.

### الف) اذن دخول

سه اذن دخول برای سراب مقدس نقل شده است. اولی را مرحوم ابن مشهدی، دومی را سید بن طاووس و سومی را علامه مجلسی از کتابی قدیمی نقل کرده‌اند. ابن مشهدی سرداب مقدس را با عنوان حرم حضرت ولی عصر (عج) نام می‌برد و می‌نویسد:

وقتی به حرم ایشان در سرّمن رأی رسیدی، غسل کن و پاک‌ترین لباس را بپوش و پیش از آن که به سرداب بروی، بر در حرمش بایست و زیارت کن با این زیارت و بگو: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلِیْفَةَ اللَّهِ وَ خَلِیْفَةَ آبَائِهِ الْمُهْدِیِّینَ، السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ الْمَاضِينَ... السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، ائْتَدُنْ لَوْلِيكَ فِي الدُّخُولِ إِلَى حَرَمِكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.»<sup>۴۱</sup> (ضمیمه چهارم)

در برخی کتاب‌ها<sup>۴۲</sup> آمده است که این زیارت‌نامه را شیخ مفید در کتاب «المزار» یا «مناسک المزار» خود آورده است. ولی در مزار چاپ‌شده از شیخ مفید<sup>۴۳</sup> وجود ندارد و چنان‌که گفته شد، قدیمی‌ترین منبع کتاب ابن‌مشهدی است. سید بن طاووس نیز با برخی اختلافات این زیارت را آورده است، ولی می‌گوید:

چون اذن دخول را خواندی و وارد سرداب شدی، بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ خَلِيفَةَ رَسُولِهِ وَ آبَائِهِ الْأَئِمَّةَ الْمَعْصُومِينَ الْمَهْدِيِّينَ... وَ بَلَّغُهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»<sup>۴۴</sup>

یعنی این متن را به عنوان زیارت‌نامه نقل کرده، نه اذن دخول. شهید اول نیز اذن دخول ابن‌مشهدی را نقل کرده است.<sup>۴۵</sup> مرحوم کفعمی این اذن دخول را هم در کتاب «البلد الامین»<sup>۴۶</sup> و هم در کتاب «المصباح»<sup>۴۷</sup> آورده است. البته ایشان می‌نویسد پیش از خواندن، صدبار تکبیر بگوید. سید بن طاووس می‌نویسد:

پس از زیارت امامین عسکریین علیهما السلام به سرداب مقدس برو و بر در آن بایست و بگو: «إِلَهِي إِنِّي قَدْ وَقَفْتُ عَلَى بَابِ بَيْتِ مَنْ بَيَّوتِ نَبِيَّكَ مُحَمَّدٌ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ... وَ أَدْعُو اللَّهَ يَفْنُونَ الدَّعَوَاتِ، وَ أَعْتَرَفَ اللَّهُ بِالْعُبُودِيَّةِ، وَ لِهَذَا الْإِمَامِ وَ آبَائِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ بِالطَّاعَةِ» (ضمیمه پنجم) سپس ابتدا پای راست را بگذار و پایین برو، در حالی که می‌گویی: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ» و تسیحات اربعه را بگو.

علامه مجلسی می‌آورد:

در نسخه‌ای قدیمی از نوشته‌های امامیه چنین آمده است: اجازه بگیر برای وارد شدن به سرداب مقدس و حرم امامان، به این شکل: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ طَهَّرْتَهَا

وَ شَرَفَتْهَا وَ مَعَالِمَ زَكَّيْتَهَا حَيْثُ أَظْهَرْتَ فِيهَا أَدْلَةَ التَّوْحِيدِ وَ أَشْبَاحَ الْعَرْشِ  
 الْمَجِيدِ... وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.<sup>۴۸</sup>  
 (ضمیمه ششم) سپس عتبه را بوس و با فروتنی و حالت گریه وارد شو؛ زیرا  
 نشان اجازه از طرف امامان علیهم السلام است.

### (ب) زیارت و نماز زیارت

پنج زیارت برای سرداب مقدس نقل شده است که پس از زیارت نیز نماز زیارت و ادعیه  
 و اعمال دیگر که در سرداب مقدس انجام می‌شود، بیان شده است. مرحوم ابن مشهدی  
 می‌آورد:

کلام هنگام پایین رفتن به سرداب: «السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيِّ الْأُمَمِ وَ جَامِعِ الْكَلِمِ،  
 السَّلَامُ عَلَى خَلْفِ السَّلَفِ وَ صَاحِبِ الشَّرَفِ... أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تَسْأَلَ اللَّهَ  
 تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي صَلَاحِ شَأْنِي، وَ قَضَاءِ حَوَائِجِي، وَ غُفْرَانِ ذُنُوبِي، وَ الْأَخْذِ  
 بِيَدِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، لِي وَ لِكَافَّةِ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ إِنَّهُ  
 غَفُورٌ رَحِيمٌ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ.»<sup>۴۹</sup>  
 (ضمیمه هفتم) سپس دوازده رکعت نماز زیارت بخوان و مستحب است بعد از  
 نماز زیارت خواندن این دعا که از خود امام عصر (عج) روایت شده است:<sup>۵۰</sup>  
 «اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءِ، وَ بَرِحَ الْخَفَاءِ... الْغُوثُ الْغُوثُ الْغُوثُ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي  
 أَدْرِكْنِي.»<sup>۵۱</sup>

سید ابن طاووس می‌نویسد این زیارت‌نامه نیکویی است که با آن زیارت می‌شود.  
 می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ، وَ الْعَامِلِ الَّذِي لَا يَبِيدُ، السَّلَامُ عَلَى مُحِبِّي  
 الْمُؤْمِنِينَ، وَ مَبِيرِ الْكَافِرِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيِّ الْأُمَمِ، وَ جَامِعِ الْكَلِمِ،  
 السَّلَامُ عَلَى خَلْفِ السَّلَفِ، وَ صَاحِبِ الشَّرَفِ... وَ الْأَخْذِ بِيَدِي فِي دِينِي  
 وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، لِي وَ لِإِخْوَانِي وَ إِخْوَتِي الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ كَافَّةً،  
 إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.»<sup>۵۲</sup>

چنان که ملاحظه می‌شود، در نقل سید ابن طاووس در اول زیارت دو سلام اضافه است. برخی اختلافات جزئی دیگر هم دارد. ایشان نیز می‌گوید: بعد از این زیارت، نماز زیارت را به گونه‌ای که در پیش بیان شد بخوان؛<sup>۵۳</sup> اما مانند ابن‌المشهدی پس از نماز، دعای فرج<sup>۵۴</sup> را نیآورده است، بلکه می‌نویسد:

بعد از نماز بگو: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ، الدَّاعِي إِلَيَّ سَبِيلِكَ، وَ الْقَائِمِ الصَّادِعِ بِالْحِكْمَةِ، وَ الْمُؤَظَّةِ الْحَسَنَةِ وَ الصِّدْقِ، وَ كَلِمَتِكَ وَ عَيْبَتِكَ وَ عَيْنِكَ فِي أَرْضِكَ، الْمُتَرَقِّبِ الْخَائِفِ، الْوَلِيِّ النَّاصِحِ، سَفِينَةِ النَّجَاةِ، وَ عِلْمِ الْهُدَى، وَ نُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى، وَ خَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدَى، وَ الْوَتْرِ الْمُتَوَّرِ، وَ مُفْرَجِ الْكَرْبِ، وَ مُزِيلِ الْهَمِّ، وَ كَاشِفِ الْبَلْوَى، صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الْأَيْمَةِ الْهَادِينَ، وَ الْقَادَةِ الْمَيَامِينَ، مَا طَلَعَتْ كَوَاكِبُ الْأَشْحَارِ، وَ أَوْرَقَتِ الْأَشْجَارُ، وَ أَيْنَعَتِ الْأَثْمَارُ، وَ اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ، وَ غَرَدَتِ الْأَطْيَارُ. اللَّهُمَّ انْفَعْنَا بِحُبِّهِ، وَ أَحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَ تَحْتَ لَوَائِهِ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ».<sup>۵۵</sup>

مرحوم سید ابن طاووس پس از این صلوات، صلوات دیگری را به این مضمون نقل کرده است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ صَلِّ عَلَيَّ وَلِيِّ الْحَسَنِ وَ وَصِيِّهِ وَ وَارِثِهِ ... وَ لَا كُنْزًا إِلَّا أَخْرَجَهُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».<sup>۵۶</sup> (ضمیمه نهم)

شهید اول نیز این زیارت نامه را مانند سید ابن طاووس با همان دو سلام اضافه در اول زیارت نامه نقل کرده، اما پس از دوازده رکعت نماز زیارت، مانند ابن‌المشهدی خواندن دعای فرج را توصیه کرده است.<sup>۵۷</sup>

مرحوم کفعمی نیز در «البلد الامین» با همان دو سلام اضافی در اول زیارت نامه آن را نقل کرده است.<sup>۵۸</sup> ایشان نیز می‌نویسد که پس از این زیارت، دوازده رکعت نماز بگذارد، اما پس از هر دو رکعت، تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را بگوید. وی اشاره‌ای به دعای فرج نکرده‌اند و می‌گوید که پس از نماز، دعای بعد از نماز زیارت عاشورا خوانده شود،<sup>۵۹</sup> سپس صلوات روایت شده از امام عصر (عج) را بخواند:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ... وَ بَلِّغُهُمْ أَقْصَى آمَالِهِمْ دِينًا وَ دُنْيَا وَ آخِرَةً إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.» (ضمیمه دهم) و بعد دعای ۶۰ «اللَّهُمَّ اذْفَعْ عَنِّي وَ لِيَّكَ وَ خَلِيفَتِكَ، وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ... بَلِّغُهُمْ أَقْصَى آمَالِهِمْ، دِينًا وَ دُنْيَا وَ آخِرَةً، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» را بخواند (ضمیمه بیست و دوم) سپس دعای «اللَّهُمَّ رَبَّ النَّوْرِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَ رَبَّ الْبُحْرِ الْمُسْجُورِ... إِنَّهُمْ يَرُونَهُ بَعِيدًا وَ نَرَاهُ قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، ثُمَّ تَضَرَّبُ عَلَى فَخْذِكَ الْأَيْمَنِ بِيَدِكَ ثَلَاثًا وَ تَقُولُ: الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ.» را بخواند. (ضمیمه یازدهم)

این دعا نیز معروف به «دعای عهد» است که ابن مشهدی به صورت مرسل ۶۱ و علامه مجلسی به گونه مسند نقل کرده است. ۶۲ مرحوم کفعمی می گوید: پس از آن، دعاها یی که در اعمال شب نیمه شعبان بیان شد را بخواند. ۶۳ وی سه دعا برای نیمه شعبان نقل کرده است. دعای اول: «اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا وَ مَوْلُودِهَا وَ حُجَّتِكَ... وَ احْكُم بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ يَا اَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ.» (ضمیمه دوازدهم)؛ دعای دوم به نقل از امام صادق علیه السلام: «اللَّهُمَّ اَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ... فَارْحَمْنِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.» (ضمیمه سیزدهم)؛ دعای سوم از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده است که در حال سجده آن را می خواندند و همان دعای معروف کمیل است (ضمیمه چهاردهم). مرحوم کفعمی در کتاب دیگر خود «المصباح» که نام دیگر آن «جنة الأمان الواقية» است این زیارت را آورده است. ۶۴

ابن مشهدی پس از بیان زیارت نامه امامین عسکریین علیهما السلام می نویسد:

سپس به پشت خارج می شوی، درحالی که رو به ضریح داری و می آیی به سرداب غیبت؛ بعد میان دو در می ایستی درحالی که یک طرف در را با دست گرفته ای، تنحنح (سرفه) می کنی، مانند کسی که اجازه می خواهد؛ بسم الله بگو و باوقار و آرامش پایین برو و دو رکعت نماز در محوطه سرداب بخوان و بگو: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ عَرَفْنَا أَوْلِيَاءَهُ وَ أَعْدَاءَهُ، وَ وَفَّقَنَا لَزِيَارَةِ أُمَّتِنَا... إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ» (ضمیمه پانزدهم). سپس وارد صفة (محل غیبت)

شو و دو رکعت نماز بخوان و بگو: «اللَّهُمَّ عَبْدُكَ الرَّائِي فِي فَنَاءِ وَلِيِّكَ الْمَزُورِ... اللَّهُمَّ اَكْتُبْ هَذِهِ الشَّهَادَةَ وَالزِّيَارَةَ لِي عِنْدَكَ فِي عَلِيِّينَ، وَبَلِّغْنِي بِلَاغِ الصَّالِحِينَ، وَانْفَعْنِي بِحُبِّهِمْ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.»<sup>۶۵</sup> (ضمیمه شانزدهم). سید بن طاووس نیز این زیارت را نقل کرده است.<sup>۶۶</sup>

سید بن طاووس می نویسد:

وقتی به داخل سراب رسیدی، روبه قبله بایست و بگو: «سَلَامٌ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ عَلَى مَوْلَايَ صَاحِبِ الزَّمَانِ... وَنَحْنُ نَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.» (ضمیمه هفدهم) بعد دست‌هایت را بلند کن و بگو: «اللَّهُمَّ أَنْتَ كَاشِفُ الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى، وَإِلَيْكَ نَشْكُو غَيْبَةَ إِمَامِنَا وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّنَا... إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَالْمَنَّ الْقَدِيمِ، وَالْإِحْسَانِ الْكَرِيمِ.» (ضمیمه هجدهم) بعد دوازده رکعت نماز بخوان و به امام (عج) هدیه کن. بعد از هر دو رکعت تسیحات حضرت زهرا علیها السلام را بگو و بعد از تسیحات بگو: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ، حَيْثَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ. اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرُّكْعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَيْكَ وَإِلَى ابْنِ وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَانِكَ، الْإِمَامِ ابْنِ الْأَيْمَةِ، الْخَلْفِ الصَّالِحِ الْحُجَّةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ، فَضَّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْهُ إِيَّاهَا، وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ، وَفِي رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ وَفِيهِ» چون نمازها تمام شد، این دعا را بخوان که دعای مشهور دوران غیبت است:<sup>۶۷</sup> «اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ... وَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ فَائِزًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.»<sup>۶۸</sup> (ضمیمه نوزدهم)

زیارت ندبه (زیارت آل یاسین)؛ مرحوم سید بن طاووس می آورد: این زیارت‌نامه معروف به «ندبه» است و از ناحیه مقدسه برای محمد بن عبدالله حمیری صادر شده است و امر کرد که در سرداب مقدس خوانده شود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا لِأَمْرِ اللَّهِ تَعْقِلُونَ، وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ، تَقْبَلُونَ... أَعْصِمْ بِيكَ، مَعَكَ مَعَكَ مَعَكَ سَمْعِي وَرِضَايَ يَا كَرِيمِ.»<sup>۶۹</sup> (ضمیمه بیستم)



این زیارت‌نامه اکنون به زیارت «آل یاسین» معروف است، نه ندبه و در هیچ منبع متقدم<sup>۷۱</sup> یا متأخر<sup>۷۲</sup> که این زیارت‌نامه را از مرحوم حمیری نقل کرده‌اند، نیامده است که امر به خواندن آن در سرداب مقدس شده باشد. مشخص نیست منبع مرحوم سید ابن طاووس بر این مطلب کدام کتاب بوده است. سید ابن طاووس آورده است:

دو رکعت نماز می‌خوانی و می‌گویی: «سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلِ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ، وَ صَلَوَاتُهُ وَ بَرَكَاتُهُ الدَّائِمَةُ... يَا مَوْلَايَ حَاجَتِي كَذَا وَ كَذَا فَاشْفَعْ لِي إِلَى رَبِّكَ فِي نَجَاحِهَا.»<sup>۷۳</sup> (ضمیمه بیست و یکم) و به آنچه دوست داری، دعا می‌کنی و برمی‌گردی و صورتت را برنگردان تا از در خارج شوی.

ابن مشهدی این متن را برای استغاثه به امام زمان (عج) آورده است.<sup>۷۴</sup> مرحوم کفعمی نیز برای استغاثه آورده و نوشته است:

بعد از غسل، زیر آسمان دو رکعت نماز می‌خوانی؛ در رکعت اول بعد از حمد سوره فتح و در رکعت دوم بعد از حمد سوره نصر را می‌خوانی. وقتی سلام نماز را دادی، برمی‌خیزی و این را می‌خوانی.<sup>۷۵</sup>

### ج) وداع

دو وداع نیز در کتاب‌های دعا برای سرداب مقدس نقل شده است. مرحوم سید ابن طاووس می‌نویسد:

و اگر خواستی وداع کنی، هر چه می‌خواهی نماز بخوان؛ بعد روبه‌قبله بایست و بگو:<sup>۷۶</sup> «اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيَّكَ وَ خَلِيفَتِكَ، وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ... بَلِّغْهُمْ أَقْصَى أَمَالِهِمْ، دِينًا وَ دُنْيَا وَ آخِرَةً، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»<sup>۷۷</sup> (ضمیمه بیست و دوم)

مرحوم کفعمی این دعا را بعد از خواندن زیارت اول نقل کرده و آخر دعا نیز با نقل مرحوم سید ابن طاووس تفاوت دارد. سید ابن طاووس ادامه می‌دهد سپس بسیار دعا کن و برگرد. مرحوم کفعمی آورده است:

هنگام وداع نیز وداع امام رضا علیه السلام را بخوانند:<sup>۷۸</sup> «لَا جَعَلَ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ» و اگر خواست بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ اللَّهُمَّ لَا

تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي ابْنَ نَبِيِّكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ أَجْمَعِنِي وَإِيَّاهُ فِي جَنَّتِكَ وَ أَحْشُرْنِي مَعَهُ وَ فِي حَزْبِهِ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا وَ أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَ أَسْتَرْعِيكَ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ أَمَّنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِمَا جِئْتَ بِهِ وَ دَلَّلْتَ عَلَيْهِ فَأَكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ».<sup>۷۸</sup>

ایشان در خاتمه کتاب تصریح می کند که زیارت امام مهدی (عج) در سرداب مستحب

مؤکد است.<sup>۷۹</sup>

### نتیجه

از آنچه بیان شد، آشکار می گردد که سرداب مقدس سامراء قسمتی از منزل سه امام معصوم علیهم السلام است و از این جهت مورد احترام فراوان شیعیان قرار دارد؛ چون این سرداب اکنون از پدر بزرگوار امام عصر (عج) به ایشان به ارث رسیده و قسمتی از ملک شخصی ایشان و حرمی برای امام شمرده می شود؛ بنابراین شیعیان ضمن اجازه گرفتن از ایشان، به این مکان مقدس وارد می شوند و با زیارت نامه خواندن متوجه امام می گردند و با عرض ارادت به محضر ایشان، از خداوند جلب توجهات امام عصر (عج) را می خواهند و هرگز معتقد به حضور فعلی امام در سرداب نیستند؛ بلکه به وسیله نماز و دعا، برای سلامتی امام دعا کرده و دل تنگی خود را از غیبت امام ابراز می دارند.

### پی نوشتها:

۱. عضو هیئت علمی و مدیر گروه کلام و معارف پژوهشگده حج و زیارت.
۲. ابن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۱۴۴، حدیث ۱۱: «عَنْ سَدِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: ... يَسِيرُ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَ يَمْشِي فِي أَسْوَاقِهِمْ وَ يَطَأُ بُسْطَهُمْ وَ هُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ أَنْ يَعْرِفَهُمْ نَفْسَهُ».
۳. نعمانی، الغيبة، ص ۱۶۰: «و محظور عليهم الفحص والكشف عن صاحب الغيبة و المطالبة باسمه أو موضعه أو غيابه أو الإشادة بذكره فضلا عن المطالبة بمعابنته».
۴. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۹۷: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَوَاءُ وَ أَضَلَّكُمْ الْأَعْدَاءُ».

۵. ابن مشهدی، المزار الكبير، ص ۵۸۵: «فَإِنَّ أَيَّامَ الْغَيْبَةِ تَشْتَقُّ إِلَيْهِ، وَ لَا تَسْأَلُ الْاجْتِمَاعَ مَعَهُ إِنَّهَا عَزَائِمُ اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لَهَا أَوْلَى، وَ لَكِنْ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ بِالزِّيَارَةِ».
۶. محمد بن يعقوب كليني، کافی، ج ۴، ص ۱۶۲، حدیث ۴: «وَ كَيْفَ أُمُكِّنَكَ وَ مَتَى حَضَرَكَ مِنْ دَهْرِكَ تَقُولُ بَعْدَ تَحْمِيدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ النَّبِيِّ ﷺ اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لَيْتَا وَ حَافِظًا وَ نَاصِرًا وَ ذَلِيلًا وَ قَائِدًا وَ عَوْنًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُشَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا».
۷. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۳، حدیث ۴: «فِي التَّوْقِيعِ يَخْطُ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ (عج) ... وَ أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ».
۸. مانند: مقام امام زمان (عج) در مسجد سهله، قبرستان وادی السلام، حلّه، نعمانیه و کربلا. البته مقام‌های دیگری نیز در عراق برای امام عصر (عج) گزارش شده است.
۹. ابن کثیر، البداية و النهاية، ج ۱۱، ص ۷۸.
۱۰. «و الباقي منها (سامرا) الآن موضع كان يسمى بالعسكر، كان [منه] علي بن محمد بن علي بن موسي بن جعفر وابنه الحسن بن علي، و هما المعسكران يسكنان به فنسبا إليه و به دفنا، و عليهما مشهد يزار فيه.» عبدالمؤمن بغدادی، مرادالاطلاع علي اسماء الامكنة و البقاع، ج ۲، ص ۶۸۵. البته ابن خلکان (متوفای ۶۸۱ق) کل شهر را به نام عسکر معرفی کرده است: «و العسکری بفتح العين المهملة و سکون السين المهملة و فتح الکاف و بعدها راء هذه النسبة إلي سر من رأي. و لما بناها المعتصم و انتقل إليها بعسكره قيل لها العسکر و إنما نسب الحسن المذكور إليها لأن المتوكل أشخص أباه علياً إليها و أقام بها عشرين سنة و تسعة أشهر، فنسب هو و ولده إليها.» وفيات الأعيان، ج ۲، ص ۹۴.
۱۱. اسماعيل بن عباد، المحيط في اللغة، ج ۸، ص ۴۲۹: السَّرْدَابُ (بالکسر). نویسنده این لغت‌نامه اسماعیل بن عباد صاحب (متوفای ۳۸۵ق) است و نشان می‌دهد از دیر زمان این واژه به کار می‌رفته است.
۱۲. زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۲، ص ۷۵: «وَ هُوَ مُعَرَّبٌ عَنْ سَرْدَابٍ».
۱۳. غزالی، شفاء الغلیل، ص ۱۷۵: «أى ما يبرد فيه الماء».
۱۴. سید علی بن احمد معصوم، الطراز الأول و الكناز لما علیه من لغة العرب المعول، ج ۲، ص ۱۲۸: «السَّرْدَابُ، کسر: بَال: بَيْتٌ بِنِي تَحْتَ الْأَرْضِ يُسَكَّنُ فِي الصَّيْفِ».
۱۵. وقف میراث جاویدان، فصلنامه سازمان اوقاف و امور خیریه، ش ۵، بهار ۱۳۷۳. مقاله «تحقیق و پژوهش باب غیبت در سامراء»، ص ۸۵. مقاله‌ای برگرفته و ترجمه شده از کتابی به نام «باب الغیبه» ترجمه مسلم صاحبی که در سال ۱۹۳۸ در بغداد چاپ شده است.
۱۶. محل این سرداب بروی نقشه سایت گوگل: ۳۴ درجه و ۱۱ دقیقه و ۵۷ ثانیه شمالی و ۴۳ درجه و ۵۲ دقیقه و ۲۳ ثانیه شرقی قرار دارد.

۱۷. علامه مرتضیٰ عسکری، گفتمان مهدویت (سخنرانی‌های گفتمان سوم)، مهدویت از دیدگاه مذاهب اسلامی، ص ۲۶.

۱۸. وقف میراث جاویدان، همان.

۱۹. ذبیح‌الله محلاتی، مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء، ج ۱، ص ۳۵۱ و محدث قمی، هدیه الزائرین و بهجة الناظرین، ص ۷۳.

۲۰. شیخ عباس قمی، مفاتیح‌الجنان، ص ۵۱۹، آداب سرداب مطهر: «در یکصد سال و چیزی قبل مؤید مسدد احمد خان دنبلی مبلغی خطیر اقدام کرد و صحن آن دو امام علیهم‌السلام را به نحوی که الآن موجود است، جدا نمود و برای آن روضه و رواق و قبه عالیه برپا نمود و برای سرداب مطهر صحنی علی حده و ایوانی و راهی و پله‌ای جدا و دهلیزی و سردابی مستقل برای زنان ساخت چنانچه حال دیده می‌شود و آن راه اول و پله‌ها و در سرداب بالمره مسدود شد و نشانی از آنها نیست، مگر آن مقداری که فعلاً در خانه‌های معروف به خانه اخباری‌ها مشاهده می‌شود و محلی برای به‌جا آوردن بعضی از آداب وارده نماند.

۲۱. وقف میراث جاویدان، همان.

۲۲. همان.

۲۳. همان.

۲۴. هدیه الزائرین و بهجة الناظرین، ص ۸۴.

۲۵. همان، ص ۷۳.

۲۶. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۴۷۵.

۲۷. چنان‌که در گزارش شیخ صدوق آمده، این حاکم «معتمد» است، نه معتضد؛ زیرا معتضد ۱۹ سال پس از شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام به حکومت رسیده است. ممکن است کسی گمان کند چه اشکالی دارد در دوران معتضد نیز این حمله صورت گرفته باشد؟ باید گفت در آن دوران کسی آن‌جا زندگی نمی‌کرد تا برای دستگیری امام به آن‌جا یورش برند. عبدالرحمن جامی، ملقب به خاتم الشعرا (متوفای ۸۹۸ ق) که حنفی و از اهل سنت و در تصوف بر طریقه نقشبندیه است در کتاب خود «شواهد النبوه»، ص ۲۶۰ این جریان را نقل کرده است. وی تصریح می‌کند: «معتضد گفت: حسن بن علی در سَرَمَن‌رَأی فوت شده است؛ زود بروید و خانه وی را فرو گیرید و هر که در خانه وی بینید، سر وی را به من آرید.» از جمله وی معلوم می‌شود حمله در ایام شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام بوده و حاکم آن زمان معتضد نبوده، بلکه معتمد بوده است.

۲۸. الغیبة، کتاب الغیبة للحجة، ص ۲۴۸.

۲۹. قطب‌الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۶۰: «فَكَبَسْنَا الدَّارَ كَمَا أَمَرْنَا فَوَجَدْنَا دَاراً سَرِيَّةً كَأَنَّ الأَيْدِي رُفَعَتْ عَنْهَا فِي ذَلِكَ الوَقْتِ فَرَفَعْنَا السِّتْرَ وَإِذَا سِرْدَابٌ فِي الدَّارِ الأُخْرَى فَدْخَلْنَاهُ وَ كَأَنَّ فِيهِ

بَحْرًا وَ فِي أَقْصَاهُ حَصِيرٌ قَدْ عَلِمْنَا أَنَّهُ عَلَيَ الْمَاءِ وَ فَوْقَهُ رَجُلٌ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ هَيْئَةً قَائِمٌ يُصَلِّي.» و ج ۲، ص ۹۴۲: «فَلَمَّا دَخَلُوهَا وَجَدُوهُ عَلَيْهِ فِي آخِرِ السَّرْدَابِ قَائِمًا يُصَلِّي عَلَيَّ حَصِيرٌ عَلَيَّ الْمَاءِ وَ قُدَّامَهُمْ أَيْضًا كَأَنَّهُ بَحْرٌ لِكَثْرَةِ الْمَاءِ فِي السَّرْدَابِ».

۳۰. همان: «ثُمَّ بَعَثَ بَعْدَ ذَلِكَ عَسْكَرًا أَكْثَرَ مِنَ الْأَوَّلِ فَلَمَّا دَخَلُوا الدَّارَ سَمِعُوا مِنَ السَّرْدَابِ قِرَاءَةَ الْقُرْآنِ فَاجْتَمَعُوا عَلَيَّ بِابِهِ حَتَّى لَا يَبْضَعَدَ فَخَرَجَ مِنْ حَيْثُ الْأَنْ عَلَيْهِ شَبَكَةٌ وَ خَرَجَ وَ أَمِيرُهُمْ قَائِمٌ فَلَمَّا غَابَ قَالَ انزِلُوا وَ خُذُوهُ فَقَالُوا إِنَّهُ مَرَّ عَلَيْكَ وَ مَا أَمَرْتَ بِأَخْذِهِ فَقَالَ مَا رَأَيْتُهُ فَانصَرَفُوا خَائِبِينَ. وَ خَرَجَ إِلَيْهِ الْعُسْكَرُ مَرَّةً أُخْرَى فَوَجَدُوهُ فِي آخِرِ السَّرْدَابِ فَوَضَعَ يَدَهُ (عج) عَلَيَّ الْجِدَارِ وَ شَقَّهُ وَ خَرَجَ مِنْهُ وَ أَثَّرَ الشَّقُّ بَعْدَ ظَاهِرٍ فِيهِ».

۳۱. بهاء‌الدین نجفی، السلطان المفرج، ص ۵.

۳۲. ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۴۰۳: «الغین و الباء و الباء أصلٌ صحیح يدلُّ علی تسنُّر الشیء عن العیون».

۳۳. مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء، ج ۱، ص ۳۵۰.

۳۴. سید بن طاووس، مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۲۹۶: «و کنت أنا بسر من رأی فسمعت سحرا دعاه (عج) فحفظت منه (عج) من الدعاء لمن ذکره من الأحياء و الأموات و أبقهم أو قال و أحيهم فی عرنا ملکنا و سلطاننا و دولتنا و کان ذلك فی ليلة الأربعاء ثالث عشر ذی القعدة سنة ثمان و ثلاثین و ستمائة».

۳۵. طبرسی، جنة الماوی، چاپ شده در بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲.

۳۶. همان، ص ۲۳۸.

۳۷. همان، ص ۲۵۷.

۳۸. همان، ص ۲۶۵.

۳۹. احمد قاضی زاهدی، شیفتگان حضرت مهدی (عج)، ج ۱، ص ۲۵۱: «ایشان یکی از اتقیای اهل منبر در عراق بودند که نقل می‌کردند در ایامی که در سامراء مشرف بودم، روز جمعهای طرف عصر در سرداب مقدس رفتم و دیدم غیر از من احدی نیست. حالی پیدا کرده و متوجه مقام صاحب الامر (عج) شدم؛ ناگهان صدایی از پشت سر شنیدم که به فارسی سلیس فرمود: به شیعیان و دوستان ما بگویند که خدا را به حق عمه‌ام حضرت زینب ۳ قسم دهند تا فرج مرا نزدیک گرداند».

۴۰. همان، ص ۱۳۹: «مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی گوید: در اقامت در سامراء، شب‌هایی را در سرداب مقدس بیتوته می‌کردم؛ آن هم شب‌های زمستانی. در آخر یکی از شب‌ها صدای پای شنیدم. با این که درب سرداب قفل بود. ترسیدم؛ زیرا عده‌ای از دشمنان اهل بیت عَلَيْهِمُ به دنبال کشتن من بودند. شمع‌ی که همراه داشتم، نیز خاموش شده بود. ناگاه صدای دلربایی شنیدم که سلام داد به این نحو: سلام علیکم یا سید و نام مرا برد. جواب داده، گفتم: شما کیستید؟ فرمودند: یکی از بنی‌اعمام

تو. گفتم: درب بسته بود، از کجا آمدید؟! فرمودند: خداوند بر هر چیزی قدرت دارد. پرسیدم: اهل کجایی؟ فرمودند: حجاز. سپس سید حجازی فرمودند: به چه جهت آمده‌ای این‌جا در این وقت شب؟ گفتم: به جهت حاجت‌هایی. فرمودند: برآورده شد. سپس سفارش فرمودند: بر نماز جماعت و مطالعه در فقه و حدیث و تفسیر و تأکید فرمودند در صله رحم و رعایت حقوق استاد و معلمین و نیز سفارش فرمودند به مطالعه و حفظ نهج البلاغه و حفظ دعاهای صحیفه سجادیه. از ایشان خواستم درباره من دعا فرمایند. پس دست بلند کرده به این نحو دعایم کردند: خدایا به حق پیغمبر و آل او، موفق کن این سید را برای خدمت شرع و بچشان بر او شیرینی مناجات را، و قرار بده دوستی او را در دل‌های مردم و حفظ کن او را از شرّ و کید شیاطین، مخصوصا حسد. در بین گفتارشان فرمودند: با من تربت سیدالشهدا علیه‌السلام است؛ تربت اصل که با چیزی مخلوط نشده. پس چند مثقالی کرامت فرمودند و همیشه مقداری از آن نزد من بود؛ چنان‌که انگشتری عقیق نیز عطا فرمودند که همیشه با من هست و آثار بزرگی را از اینها مشاهده کردم. سپس از نظرم غایب شدند».

۴۱. المزار الکبیر، ص ۵۸۶.

۴۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۱۶.

۴۳. شیخ مفید، کتاب المزار، مناسک المزار، مصحح: ابطحی، محمدباقر، ناشر: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

۴۴. مصباح الزائر، ص ۴۳۷.

۴۵. المزار، ص ۲۰۳.

۴۶. ابراهیم عاملی کفعمی، البلد الامین و الدرع الحصین، ص ۲۸۴: «تقول فی زیارة القائم (عج) بعد الإذن و التکبیر مائة قبل أن تنزل فی السرداب إن کانت زیارة من قرب «السَّلَامُ عَلَیْکَ يَا خَلِیْفَةَ اللَّهِ وَ خَلِیْفَةَ آبَائِهِ الْمُهَدِّیِّین...».

۴۷. المصباح (جنة الأمان الواقية)، ص ۴۹۵.

۴۸. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۱۵.

۴۹. المزار الکبیر، ص ۵۸۹.

۵۰. طبرسی، کنوز النجاج، به نقل از جنة المآوی، حکایت چهلّم. این دعا همان دعای فرجی است که صاحب‌الزمان (عج) آن را به محمد بن احمد بن ابی‌لیث در شهر بغداد در گورستان قریش آموخت. محمد بن احمد به گورستان قریش گریخته بود و از ترس کشته شدن بدان‌جا پناه برده بود و به برکت این دعا از آن نجات یافت. محمد بن احمد می‌گوید: «امام به من آموخت که این دعا بگویم و ایشان هنگام گفتن «یا صاحب‌الزمان» به سینه شریفشان اشاره می‌کردند».

۵۱. المزار الکبیر، ص ۵۹۱.

۵۲. مصباح الزائر، ص ۴۴۱.

۵۳. دوازده رکعت بعد از هر دو رکعت تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام و دعای «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ...».
۵۴. «اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ، وَ بَرَحَ الْخَفَاءُ...»
۵۵. مصباح الزائر، ص ۴۴۲.
۵۶. همان.
۵۷. المزار، ص ۲۰۸.
۵۸. البلد الأمين و الدرع الحصین، ص ۲۸۶.
۵۹. همان، ص ۲۷۱: «اللَّهُمَّ إِنِّي لَكَ صَلَّيْتُ وَ لَكَ رَكَعْتُ وَ لَكَ سَجَدْتُ وَ حَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لِأَنَّهُ لَا يَجُوزُ الصَّلَاةَ وَ الرُّكُوعَ إِلَّا لَكَ لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَلْبِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ السَّلَامِ وَ التَّحِيَّةِ وَ ارْزُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ وَ التَّحِيَّةَ اللَّهُمَّ وَ هَاتَانِ الرُّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَيَّ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ (الحجة بن الحسن) أبا جاي (الحسين بن علي) عَلَيْنِهِمَا السَّلَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تَقَبَّلْهُمَا مِنِّي وَ أَجْرُنِي عَلَيْنِهِمَا أَفْضَلَ أَمَلِي وَ رَجَائِي فِيكَ وَ فِي وَلِيِّكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ».
۶۰. این دعایی است که شیخ طوسی در کتاب مصباح خود از یونس بن عبدالرحمن نقل کرده است. یونس می گوید امام رضا علیه السلام دستور می داد با این دعا برای صاحب این امر دعا شود. (مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج ۱، ص ۴۰۹).
۶۱. المزار الكبير، ص ۶۶۳.
۶۲. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۴۱، حدیث ۲۵.
۶۳. البلد الأمين و الدرع الحصین، ص ۲۸۷.
۶۴. المصباح (جنة الأمان الواقية)، ص ۴۹۷.
۶۵. المزار الكبير، ص ۶۵۷.
۶۶. مصباح الزائر، ص ۴۴۴.
۶۷. این دعا را شیخ صدوق با سند خویش از نایب خاص امام عصر (عج) نقل کرده است. (کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۱۲، حدیث ۴۳).
۶۸. مصباح الزائر، ص ۴۱۸.
۶۹. همان، ص ۴۳۰.
۷۰. الإحتجاج علي أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۹۲؛ المزار الكبير، ص ۵۶۶.
۷۱. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۳۶. (از شیخ اجل شمس الدین محمد بن علی جُبَعِيّ جد شیخ بهائی علیه السلام نقل می کند).
۷۲. مصباح الزائر، ص ۴۳۵.

۷۳. المزار الكبير، ص: ۶۷۰
۷۴. البلد الأمين و الدرع الحصين، ص ۱۵۸.
۷۵. این دعایی است که شیخ طوسی در کتاب مصباح خود از یونس بن عبد الرحمن نقل کرده است. یونس می‌گوید امام رضا علیه السلام دستور می‌داد با این دعا برای صاحب این امر دعا شود. (مصباح المتعجد و سلاح المتعبد، ج ۱، ص ۴۰۹)
۷۶. مصباح الزائر، ص ۴۵۷.
۷۷. البلد الأمين و الدرع الحصين، ص ۲۸۷.
۷۸. همان، ص ۲۸۳.
۷۹. همان، ص ۳۰۹. «خاتمة: يستحب زيارة المهدي في كل مكان و زمان و الدعاء بتعجيل فرجه صلوات الله عليه عند زيارته و تتأكد زيارته في السرداب بسرّ من رأي».